



دانشگاه فردوسی مشهد

دانشکده الهیات و معارف اسلامی (شهید مطهری)

پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته ادیان و عرفان تطبیقی

ترجمه و تحقیق کتاب شناخت تغییر دین

نوشته لوئیس رامبو

استاد راهنما:

دکتر مهدی حسن زاده

استاد مشاور:

دکتر منصور معتمدی

دانشجو: الهام موحدی

تابستان ۱۳۹۰



بسمه تعالی

مشخصات رساله/پایان نامه تحصیلی دانشجویان

دانشگاه فردوسی مشهد

عنوان رساله/پایان نامه: ترجمه و تحقیق کتاب شناخت تغییر دین نوشته‌ی لوئیس رامبو

نام نویسنده: الهام موحدی

نام استاد(ان) راهنما: دکتر مهدی حسن‌زاده

نام استاد(ان) مشاور: دکتر منصور معتمدی

دانشکده: الهیات	گروه: ادیان و عرفان	رشته تحصیلی: ادیان و عرفان
تاریخ تصویب:	تاریخ دفاع:	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	دکتری	تعداد صفحات:

چکیده رساله/پایان نامه :

در این کتاب، تغییر دین به معنای پیوستن به گروه دینی جدید است که با خود تغییر شیوه‌ی زندگی، تحول در شخصیت و تمامی جنبه‌های زندگی را دارد. لوئیس رامبو به پویایی‌های تغییر دین می‌پردازد و آن را فرایند چندوجهی تحول، متشکل از عوامل فردی، فرهنگی، اجتماعی، و دینی می‌داند. وی بیان می‌کند که تغییر می‌تواند ناگهانی یا تدریجی باشد و عمدتاً تأکید خود را بر نوع دوم قرار می‌دهد. او از دیدگاه‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، تاریخ، الهیات و شناخت امور تبلیغی و هم‌چنین مصاحبه‌های با نوکیشان ادیان مختلف، به بررسی این موضوع می‌پردازد.

امضای استاد راهنما:	کلید واژه:
تاریخ:	۱. تغییر دین ۲. نوکیش ۳. مبلغ ۴. تحول ۵. تعهد ۶. شستشوی مغزی

فهرست مطالب

۱	مقدمه ی مترجم
۴	روش کار ترجمه
۴	محدودیت کار ترجمه
۶	دیباچه ی مؤلف
۱۴	مقدمه ی مؤلف
۱۹	مدل ها و روش ها: فصل اول
۱۹	تعاریف
۲۲	مدل کلی
۲۳	فرهنگ
۲۴	فرد
۲۶	تاریخ
۲۸	انواع تغییر دین
۳۰	درون مایه های تغییر دین
۳۳	مدل مرحله ای تغییر دین
۳۶	روش شناسی
۳۸	زمینه: فصل دوم
۳۹	زمینه ی گسترده تر: «نمای کلی»
۴۰	زمینه ی کوچکتر: موقعیت محلی
۴۱	طرح دقیق زمینه
۴۱	فرهنگ و زمینه
۴۶	محیط اجتماعی و زمینه

۴۶	انتقال و ارتباط
۴۸	سکولارشدن
۵۰	ابعاد فردی زمینه
۵۳	حوزه ی دینی زمینه
۵۶	اثرات زمینه ای بر تغییر دین
۵۶	مخالفت و طرد
۵۷	وسعت قلمروها
۵۹	راه های تغییر دین
۵۹	سازگاری
۶۰	انواع تغییر دین در زمینه
۶۲	زمینه و تغییر دین هنجار بنیاد
۶۳	فرضیات به دست آمده از زمینه
۶۶	بحران: فصل سوم
۶۸	ماهیت بحران
۶۹	اهمیت نسبی بحران
۷۱	واسطه های بحران
۷۱	تجارب عرفانی
۷۲	تجارب نزدیک به مرگ
۷۲	بیماری و سلامتی
۷۳	آیا همه چیز همین است؟
۷۳	تمایل به تعالی
۷۳	حالات دگرگونشده ی آگاهی
۷۴	شخصیت بی ثبات
۷۵	آسیب شناسی
۷۶	ارتداد
۷۸	بحران های به ظاهر فعال شده

۷۹	جستجو: فصل چهارم
۷۹	نحوه ی واکنش
۸۳	آمادگی اساسی
۸۴	آمادگی عاطفی
۸۵	آمادگی عقلانی
۸۶	آمادگی دینی
۸۷	ساختارهای انگیزشی
۹۱	حامی: فصل پنجم
۹۳	گسترش و تأثیر
۹۳	ماهیت حامی
۹۴	ویژگی های سکولار
۹۶	باورهای دینی
۹۷	الگوهای شغلی
۹۸	انگیزه های تغییر دین
۹۸	انگیزه ی حامی
۹۹	اراده ی خدا
۱۰۰	فرمان عیسی
۱۰۰	ملی گرایی
۱۰۱	خدمت
۱۰۲	تدبیر حامی: فصل ششم
۱۰۲	اجبار و تغییر دین
۱۰۴	میزان تبلیغ
۱۰۶	شیوه ی راهبردی
۱۰۷	روش ارتباط
۱۰۹	مزیت های تغییر دین
۱۰۹	نظام های معنایی

۱۱۱	رضایت خاطر
۱۱۲	شیوه هایی برای زندگی
۱۱۲	رهبری
۱۱۳	قدرت
۱۱۵	مواجهه میان حامی و نوکیش: فصل هفتم
۱۱۶	دیدگاه ایسیچی در مورد مواجهه
۱۱۸	مقاومت در برابر حامی
۱۲۰	روابط کلان اجتماعی
۱۲۱	زمینه به مثابه ی عاملی شتاب دهنده برای تغییر دین
۱۲۴	اشاعه ی نوآوری
۱۲۶	انگیزه ها و تجارب متفاوت
۱۲۷	سازگاری های مبلغ
۱۲۷	مدارا
۱۲۷	ترجمه
۱۲۷	جذب
۱۲۸	مسیحی سازی
۱۲۸	فرهنگ پذیری
۱۲۸	ادغام
۱۲۹	نوکیشان احتمالی و سازگاری های نوکیش
۱۳۰	نوسان
۱۳۰	بررسی دقیق
۱۳۱	تلفیق
۱۳۱	بومی سازی
۱۳۱	پس گردی
۱۳۲	تعامل: فصل هشتم
۱۳۳	محدود سازی

۱۵۰	شیوهی بیان: زبان تغییر.....
۱۵۷	تعهد: فصل نهم.....
۱۵۸	اتخاذ تصمیم.....
۱۶۰	مناسک.....
۱۶۵	تسلیم.....
۱۶۷	تمایل.....
۱۶۷	تعارض.....
۱۶۸	«تسلیم»: آرامش و آزادی.....
۱۷۰	تداوم تسلیم.....
۱۷۱	شهادت: تحول زبان و بازنویسی زندگی نامه.....
۱۷۴	اصلاح انگیزشی.....
۱۷۷	نتایج: فصل دهم.....
۱۷۷	گرایش فردی در ارزیابی نتایج.....
۱۷۹	ماهیت نتایج.....
۱۸۴	نتایج اجتماعی فرهنگی و تاریخی تغییر دین.....
۱۹۰	دور نماهای دینی.....
۱۹۱	نتایج ناخواسته ی اجتماعی فرهنگی.....
۱۹۱	ملی گرایی.....
۱۹۲	حفظ زبان محلی.....
۱۹۳	سکولارسازی.....
۱۹۳	نتایج روانشناسانه ی تغییر دین.....
۱۹۶	شستشوی مغزی و طریقه های دینی جدید.....
۱۹۶	داستان های تغییر دین.....
۱۹۷	نتایج الهیاتی.....
۱۹۸	نتایج الهیاتی گزارش شده از نوکیشان.....
۲۰۱	تا چه مدت طول می کشد؟.....

۲۰۲	تکرار تغییر دین
۲۰۳	خاتمه
۲۰۳	مراحل
۲۰۳	زمینه: شناخت محیط فرایند تغییر دین
۲۰۴	بحران؛ واسطه‌ی تحول
۲۰۵	جستجو؛ گشتن فعال
۲۰۵	مواجهه: حامی و نوکیش احتمالی در ارتباط
۲۰۶	تعامل: چارچوب تغییر
۲۰۷	تعهد: تکمیل و تحکیم تحول
۲۰۷	نتایج: اثرات فرایندهای گرویدن
۲۰۸	موضوعات و درون مایه‌های اصلی
۲۱۲	پژوهش آینده
۲۱۵	نتیجه‌گیری
۲۱۷	پی‌نوشت‌ها
۲۶۲	منابع فارسی
۲۶۴	منابع انگلیسی
۲۶۶	منابع اینترنتی

مقدمه ی مترجم

تغییر دین، پدیده‌ای است که امکان وقوع آن در همه‌ی ادیان وجود دارد. معانی چندی برای تغییر دین مفروض است. اصل واژه‌ی تغییر دین (conversion) ریشه‌ای لاتینی دارد، از conversio به معنای بازگشت یا چرخش.^۱ با در نظر گرفتن این معنی، این واژه صرفاً برای گروه‌ش از دینی به دین دیگر کاربرد ندارد، بلکه متضمن تحول درونی نوکیش یا حتی شخصی است که از ابتدا متعهد به آن دین بوده است. از این جهت، در این حیطه با گستردگی موضوعات و مفاهیم مواجهیم و به دلیل همین گستردگی، رشته‌های گوناگون علمی از جمله روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و الهیات به بررسی این پدیده می‌پردازند. از سویی، از آنجا که عوامل و دلایل متعدد فردی، اجتماعی، فرهنگی و دینی در وقوع این پدیده دخیل هستند، این رشته‌های علمی رو به پژوهش در این زمینه آورده‌اند.

روان‌شناسی دین در همان اوان پیدایش این رشته، به بررسی تغییر دین پرداخت. از پیشگامان این رشته، می‌توان به استنلی هال^۲ (۱۸۸۱)، ادوین استارباک^۳ (۱۸۹۷)، جیمز لوبا^۴ (۱۸۹۶) و ویلیام جیمز^۵ (۱۹۰۲) اشاره کرد. از آنجا که اولین روان‌شناسان دین، مسیحی بودند، طبعاً دید آن‌ها به تغییر دین نیز مبتنی بر مسیحیت بود. پس از این نویسندگان اولیه، دیگر روان‌شناسان و همچنین جامعه‌شناسان دین نیز به بررسی این حیطه روی آوردند. نظریات در این زمینه، بسیار متنوع و گاه متناقض بودند.

اخیراً به دلیل ازدیاد طریقه‌های دینی جدید و روی‌آوردن اشخاص بسیاری به آن‌ها، مطالعات تغییر دین رو به افزایش است، به طوری که این موضوع در مطالعات دین‌شناسی از جایگاه والایی برخوردار بوده، آثار بسیاری در این حیطه به چاپ رسیده است. به همین جهت، بر آن شدم که در زمینه‌ی تغییر دین، یکی از آثار برجسته‌ی آن را برای استفاده‌ی دین‌شناسان و

1 - B.D., *Dictionary of Religion*, ed. by William Benham, Cassell & Company, Limited: London, Paris & Melbourne, 1891, P. 279.

2 - G. Stanley Hall

3 - Edwin Starbuck

4 - James H. Leuba

5 - William James

محققان به فارسی برگردانم. چرا که در این زمینه، تا به حال هیچ ترجمه‌ی فارسی نداشته‌ایم و این امر به دلیل اهمیت موضوع و نبود منابع لازم، بسیار ضروری می‌نمود. به همین منظور، کتاب حاضر از لوئیس رامبو برای ترجمه انتخاب شد. لوئیس رامبو نویسنده، پژوهشگر و دین‌شناس آمریکایی است. وی به سال ۱۹۴۳ در تگزاس متولد شد. رامبو استاد روان‌شناسی و دین در پژوهشگاه دینی سان فرانسیسکو است. وی مدرک لیسانس خود را به سال ۱۹۷۱ از دانشگاه ییل، مدرک فوق لیسانس را به سال ۱۹۷۳ از دانشگاه شیکاگو و دکترای خود را به سال ۱۹۷۵ از دانشگاه شیکاگو در رشته‌ی روان‌شناسی و دین اخذ کرد. مهمترین آثار وی در این زمینه عبارتند از:

«نظریه‌های تغییر دین: شناخت و تفسیر تحول دینی» (۱۹۹۹)؛ «تغییر دین» (۲۰۰۵)؛ «تغییر دینی و تحول شخصیت» (۱۹۹۹)؛ «پژوهش حاضر تغییر دین» (۱۹۸۲)؛ «انسان‌شناسی تغییر دین» (۲۰۰۳)؛ و شناخت تغییر دین (۱۹۹۵)^۱

دلیل انتخاب این کتاب برای ترجمه این بود که رامبو در این اثر به طور مبسوطی نظریات دانشمندان را از هر رشته‌ی علمی بیان و بررسی می‌کند و به دلیل گستردگی نظریات و پیچیدگی موضوع، به منظور فهم بهتر و دقیق فرایند تغییر دین، نویسنده از یک روش ابداعی استفاده می‌کند که در نوع خود بی‌نظیر است. وی برای فرایند تغییر دین، هفت مرحله را در نظر می‌گیرد و نظریات دانشمندان رشته‌های مختلف علمی را در ضمن این هفت مرحله، در ده فصل، بیان می‌کند. مراحل پیشنهادی لوئیس رامبو عبارتند از: زمینه، بحران، جستجو، مواجهه، تعامل، تعهد و نتایج.

از این جهت، کتاب شناخت تغییر دین برای کسی که قصد پژوهش در زمینه‌ی تغییر دین را داشته باشد، از منابع اصلی و ضروری است.

¹ - "Theories of Conversion: Understanding and Interpreting Religious Change", *Social Compass* (1999); "Conversion", *Encyclopedia of Religion* (2005); "Religious Conversion and Personality Change", *Journal of Personality* (1999); "Current Research on Religious Conversion", *Religious Study Review* (1982); "The Anthropology of Religious Conversion", *Anthropology and the Study of Conversion* (2003); *Understanding Religious Conversion*, Yale University Press (1995)

در این کتاب به زمینه‌ی اجتماعی، دینی، فرهنگی و درونی نوکیش می‌پردازیم. وجود این زمینه‌های درونی و بیرونی، آثار و نتایجی را برای نوکیش به بار می‌آورد و در نوع تغییر نوکیش بسیار اثربخش است؛ تا بدانجا که بررسی هر نمونه‌ی تغییر دینی، بدون در نظر گرفتن این زمینه‌ها و شرایط، بی‌اعتبار و ناقص خواهد بود.

مبلغ یا حامی، نقشی بسیار تعیین‌کننده در مسیر تغییر دین ایفا می‌کند. از عوامل مهمی که می‌توان در این مرحله ذکر کرد، انگیزه‌های مبلغ، راه‌کارهای حامی، میزان تبلیغ و شیوه‌ی ارتباط با نوکیش احتمالی است. در مرحله‌ی مواجهه میان حامی و نوکیش، امکان دارد مخالفت‌هایی از سوی نوکیش صورت پذیرد. روابط میان دو جامعه، در گسترش یک دین و مواجهه‌ی با آن بسیار اثربخش است. در این مرحله، مبلغ، نوکیش و نوکیشان احتمالی می‌بایست خود را با این تحول و رویارویی سازگار کنند.

تعاملی که نوکیش با دین جدید و دیگر ملزومات آن برقرار می‌کند، مرحله‌ی دیگری در فرایند تغییر دین محسوب می‌شود. در این مرحله، می‌توان به چهار عامل اساسی اشاره نمود که چارچوب تحول را شکل می‌بخشند: ۱- روابط عاطفی ۲- مناسک ۳- شیوه‌ی بیان ۴- نقش.

تعهد، مرحله‌ی دیگر فرایند تغییر دین است. اتخاذ تصمیم در این مرحله جایگاه والایی دارد. نوکیش پس از اتخاذ تصمیم، احساس آرامش و آزادی می‌کند و تردیدها و بحران‌های روحی سابق از میان می‌روند. احساس تسلیم، پس از تعهد ایجاد می‌شود. تسلیم، فرایند درونی تعهد است. همچنین، تعهد مناسکی دارد که باعث استحکام آن می‌شوند. از دیگر عوامل موجود در این مرحله، اصلاح انگیزه‌های نوکیش است. نوکیش در مرحله‌ی تعهد، از گذشته جدا می‌شود و وارد دنیای جدیدی می‌شود.

هر فرایند تغییر دینی، پس از طی مراحل، نتایجی در پی دارد. این نتایج امکان دارد اجتماعی فرهنگی، تاریخی، دینی یا روان‌شناسانه باشد که البته، برخی ناخواسته رخ می‌دهد. نتایج، اساس زندگی را متحول می‌سازد. در حین تحول، شناخت و تجربه‌ی نوکیش، تکامل می‌یابد و خود نیز متوجه این تحول می‌شود.

روش کار ترجمه

۱- برای ترجمه‌ی فارسی اسامی دانشمندان در این اثر، از کتاب *اسامی مستند مشاهیر و مؤلفان* استفاده شده است. از این کتاب به این دلیل استفاده شد که در بسیاری از آثار ترجمه شده در ایران در رشته‌های مختلف، برای یک اسم ممکن است چندین معادل گذاشته شود و متأسفانه، این امر در کشور ما حالت سلیقه‌ای به خود گرفته است. به منظور اجتناب از این اشتباه و اعتبار اثر، از کتاب مورد اشاره، استفاده شده است.

۲- برای پی‌نوشت‌ها و توضیحات نویسنده‌ی کتاب، فصلی جداگانه با عنوان پی‌نوشت‌ها در نظر گرفته شده است و مانند خود کتاب، شماره‌ی آن پی‌نوشت در متن ترجمه و در پرانتز آمده است. هر کجا هم که مترجم نیاز به توضیح پیدا کرده است، در همان صفحه و در پاورقی این کار صورت گرفته است.

۳- در ترجمه‌ی متن اصلی، هر کجا که از واژه‌ی مبلغ استفاده شده است، منظور مبلغان مسیحی و ترجمه‌ی واژه‌ی میسیونری (missionary) است.

۴- در ترجمه‌ی متن اصلی، هر کجا که به متن کتاب مقدس ارجاع داده شده است، از ترجمه‌ی کتاب مقدس (ترجمه از زبان‌های آرامی و عبری) استفاده کردیم.

۵- نظرات نویسنده در باب گسترش ادیان دیگر و به خصوص اسلام، برای مثال در صفحه‌ی ۷۰ متن انگلیسی، نظر نویسنده است و دلیل بر پذیرش آن از طرف مترجم نیست.

محدودیت کار ترجمه

۱- محدودیت منابع، بزرگترین مانع در ترجمه‌ی این کتاب بود. برای اعتبار بخشیدن به ترجمه و نیز برای آشنایی خواننده با اسامی افراد مذکور در کتاب، سعی شد تا از زندگی‌نامه‌ی آن‌ها شرح مختصری آورده شود. در این راه، مشکلاتی وجود داشت، به خصوص به این دلیل که بیشتر این نویسندگان و دانشمندان، معاصر و در حال حاضر در قید حیاتند و یافتن منابع در باب زندگی‌نامه‌ی آن‌ها کار دشواری است. برای این منظور، در مواردی که منبعی یافت نشد،

یا از طریق ایمیل با شخص مورد نظر ارتباط صورت گرفت، یا از طریق منابع اینترنتی به خصوص سایت ویکیپدیا اطلاعات به دست آمد. برای این دسته، در پاورقی منبعی نیامده است و نیز برای تعدادی، هیچ منبعی، حتی اینترنتی یافت نشد.

۲- از آنجا که در این حیطه، به زبان فارسی هیچ منبعی وجود ندارد، در حین ترجمه برای یافتن معادل‌های فارسی، به دشواری‌های زیادی برخورد شد. اما سعی ما در همه جای متن، پایبندی به متن اصلی است.

دیباچه ی مؤلف

این کتاب، هم اثری علمی و هم سیر و سلوک شخصی پیرامون این سؤالات که چگونه ممکن است در دنیای معاصر ایمان وجود داشته باشد. چه عواملی تغییر دین را برای مردم قابل قبول می‌سازد؟ چگونه می‌توان انواع متفاوت تغییر دین را تبیین کرد؟ چگونه (با احتمالاً چرا) خصیصه‌ی تغییر دین را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم؟ این سؤالات و سؤالات دیگری مرا بر آن داشت تا در پی فهم پدیده‌ی تغییر دین بروم.

روند تحقیق و نگارش کتاب ماجرابی داشته است. تحقیقات من در مورد تغییر دین بیش از یک دهه پیش، با مطالعه‌ی گسترده‌ی آثار حوزه‌ی روان‌شناسی شروع شد. طولی نکشید که احساس کردم روان‌شناسی به تنهایی نمی‌تواند ماهیت تحول دینی فردی یا گروهی را تفسیر کند و به ویژه جهت روشن شدن ماهیت «کیش‌ها» و «طریقه‌های دینی جدید» توجهم به سوی آثار جامعه‌شناسان جلب شد. هر چه آثار جامعه‌شناسانه را با عمق و دقت بیشتری مطالعه کردم، محدودیت‌های آن نیز با پی بردن به اهمیت مقولات فرهنگی نمایان شد. ورود به انسان-شناسی فرهنگی، رشته‌ی مهیجی را نمایان ساخت که نوید بینش‌های جدیدی را پیرامون فرایند تغییر دین با خود داشت. پس از آن متوجه شناخت امور تبلیغی^۱ شدم، رشته‌ای علمی که آغازگرش مبلغین مذهبی بودند که در محیط‌های چند فرهنگی مشغول به کار بودند، محیط‌هایی که هر روز آن‌ها را با مشکلات درهم‌تنیدگی مقولات دینی، اجتماعی و فرهنگی‌ای مواجه می‌ساخت که نسبت به تحول هم اثرگذار بودند و هم اثر پذیر. (عجیب آن که، متخصصان در علوم تبلیغ مسیحیت^۲ که عمدتاً متوجه جنبه‌های دینی یا معنوی تغییر دین هستند، بارها محافل علمی سکولار را از این جهت مورد انتقاد قرار می‌دهند که از نظر آن‌ها، ایشان گرایش دارند تا عوامل دینی را کوچک جلوه دهند و البته در این قضاوت پر بیراه هم نیستند).

1 - missiology

2 - missiologist

در همان هنگام که این رشته‌های علمی را بررسی می‌کردم، با نوکیشانی که پیشینه‌های بسیار متفاوتی داشتند، مصاحبه‌های متعددی را ترتیب دادم: زنان و مردانی که به عضویت کلیسای اتحاد^۱ درآمده بودند، یهودیانی که مسیحی شده بودند و بالعکس، سکولارهای^۲ ژاپنی که مسیحیت را پذیرفته بودند و چینی‌هایی که با صبغه‌ی دینی ناچیز و یا بدون هرگونه صبغه-ی دینی (به دلیل منع رسمی دولت) مسیحی شده بودند. مسافرت‌های زیادی داشتم: به کره و ژاپن رفتم تا تجربه و درک‌های موجود از تغییر دین را در این کشورها مقایسه و مقابله کنم و نیز در مقام عضو انجمن لیدی دیویس^۳ و استاد مدعو ادیان تطبیقی دانشگاه عبری اورشلیم برای مطالعات بیشتر به اسرائیل رفتم. فرصتی دست داد تا با دانشمندانی مثل جانت اوایاد^۴،

۱- کلیسای اتحاد (Unification Church) طریقه دینی جدیدی است که سون میونگ مون (Sun Myung Moon) در سئول به سال ۱۹۴۵ آنرا تأسیس کرد. آن‌ها نام انجمن روح القدس برای اتحاد مسیحیت جهانی را بر خود نهادند. مبانی اصلی این فرقه اصل الهی نام دارد که تعبیر خاصی از کتاب مقدس است و نیز مکاشفه‌هایی است از مون. وی ادعا می‌کند که روز عید پاک ۱۹۳۶ عیسی بر وی ظاهر شده و از وی خواسته که پادشاهی خداوند را روی زمین تأسیس کند. پس از آن خود را فردی همچون موسی یا بودا معرفی نمود. پیروان مون تعالیمش را در کتابی با عنوان *The Divine Principle* به انگلیسی به چاپ رساندند. این کتاب تفسیر مجدد کتاب مقدس است و همه ادیان را یکی می‌داند. به خدایی همگانی یا کلی اعتقاد دارند و همه افراد بشر می‌توانند رستگار شوند، چه خوب باشند و چه بد، چه زنده باشند و چه مرده. مهمترین آیین آن‌ها «تبرک» نام دارد که جشن ازدواج جمعی است. مون ازدواج را امری پسندیده می‌داند و به عقیده وی عیسی می‌بایست ازدواج می‌کرد، اما پیش از آن به قتل رسید. هینلز جان راسل، فرهنگ ادیان جهان، سرویراستار: ع. پاشایی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۸۶، Barker, Eileen, “ Unification church ”, *The Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade, ed., Vol. 15, McMillan, New York, 1987, p. 142. ۵۱۲-۵۱۳؛

2 – secularist

۳- انجمن پیروان لیدی دیویس (Lady Davis) ۳۳ سال پیش تأسیس شد، با این هدف که مجالی برای تحقیقات دانشمندان فراهم کند. محققان و دانشمندان از هر کجای دنیا صرف نظر از ملیت، جنسیت یا رشته علمی‌شان در این مؤسسه شرکت می‌کنند. این مؤسسه در دانشگاه عبری اورشلیم در اسرائیل فعالیت می‌کند.

۴- جانت اوایاد (Janet Aviad) مدرس دانشگاه عبری اورشلیم است. تخصص اصلی وی، جامعه شناسی دین است. فعالیت‌های گسترده‌ای در باب صلح انجام داده‌است. صاحب کتاب و مقالات چندی است و تحولات اخیر در یهودیت را مورد بررسی قرار داده‌است. برای اطلاعات بیشتر رک:

Aviad, Janet, *return to Judaism: religious renewal in Israel*, Chicago: universitu of Chicago press, 1983.

استیون کاپلن^۱ و نحمیا لوتزین^۲ تبادل نظر کنم و با مسیحیانی که یهودی شده‌اند و بالعکس و نیز یهودیان سکولاری که به یهودیت راست کیش گرویدند، مصاحبه کنم.^(۱)

موضوع تغییر دین بخش زیادی از زندگی خصوصی و حرفه‌ای مرا به خود مشغول داشته (و شاید یگانه هم و غم من بوده) است. بعد از اتمام این تحقیق، دیدگاه‌ها و برداشت‌هایم روشن‌تر شد، از این رو در ابتدا اجازه می‌خواهم موافقت خود را با این دیدگاه بیان کنم که هر تحقیقی در نهایت فرافکنی رفتاری‌های شخصی خود محقق است.^(۲)

تغییر دین صحیح^۳ از دید من کدام است؟ همان‌طور که بیان خواهد شد، رویکرد من به این سؤال به ناچار متأثر از گذشته‌ی فرقه‌ای^۴ من است، با این حال، تغییر دین «واقعی» از نظر من عبارت است از تحول کلی فرد در نتیجه‌ی قدرت خدا. این تحول به واسطه‌ی نیروهای اجتماعی، فرهنگی، فردی و دینی به وقوع می‌پیوندد (همان‌طور که در ادامه‌ی این کتاب ذکر خواهد شد)، با این حال عقیده‌ی من بر این است که تغییر دین باید ریشه‌ای و اساسی و هدفش ریشه‌یابی اساس رفتاری بشر باشد. از دید من، آن اساس، گرداب آسب پذیری است.^(۳) اگر این نظر من پذیرفته شود که انسان‌ها مستعد توهم و خودفریبی بی‌پایانند و اینکه بیشتر امیال ما برخلاف اراده‌ی خداوند است^۵، در این صورت نیاز به تحول اساسی و همه‌جانبه داریم. آنگونه که من آموخته‌ام، شرارت و اثرات «دنیا» که اساساً ما را به راه گناه می‌کشاند، هر جنبه‌ای از وجود انسان را آلوده می‌کند. به عقیده‌ی من، واسطه‌ی تغییر دین، خداوند است تا از این طریق مرا از اسارتی رها سازد که می‌دانم فریبم می‌دهد.

۱- استیون کاپلن (Steven Kaplan) به سال ۱۹۵۳ متولد شد، صاحب آثار متعددی بوده و مدیر گروه علوم انسانی دانشگاه اورشلیم در سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۴ بوده است.

۲- نحمیا لوتزین (Nehemiah Levtzion) (۱۹۳۵-۲۰۰۳)، از اعضای اصلی انجمن مورخانی است که در مورد مسلمانان غرب آفریقا و خاور میانه پژوهش می‌کنند. تخصص اصلی وی در مورد متون تاریخی است. شناخت او از تغییر دین نیز بر همین اساس است. وی تحقیقات گسترده‌ای در مورد اسلام در آفریقا و تغییر کیش مسلمانان آنجا انجام داده است.

3 - authentic

4 - sectarian

5 - anti-god

من در کلیسای مسیح^۱ پرورش یافته‌ام، طریقه‌ای که در قرن نوزدهم میلادی با هدف احیای «مسیحیت عهد جدید»^۲ شکل گرفت. تا حدود پنج سال پیش زندگی‌ام بر اساس این فرقه‌ی دینی استوار بود و آگاهی من عمیقاً مبتنی بر این طریقه شکل گرفت. مادرم، من و برادر کوچکترم را هر صبح و شب یک شنبه و چهارشنبه شب‌ها به کلیسا می‌برد. دو بار در سال در «محفل بشارت»^۳ (معادل کار احیاگران در کلیسای مسیح) با هدف نجات ارواحمان شرکت می‌کردیم. این فرقه‌ی محافظه‌کار، عقاید دقیقی در مورد تحول دینی دارد. به ما تعلیم داده می‌شد که رستگاری تنها از طریق گوش فرا دادن به انجیل، باور به پسر خدا بودن عیسی مسیح، واگذاری قضاوت در مورد شر به خود و اعتراف به گناهان بزرگ و دامن‌گیرمان، اقرار به این عقیده که عیسی منجی شخصی ما است و انجام غسل تعمید با فرو رفتن کامل در آب حاصل می‌شود.

دریافته‌ام که کلیسای مسیح بر شناخت کتاب مقدس و تسلیم در برابر اراده‌ی خداوند تأکید دارد: دانش «صحیح» و رفتار «شایسته» ضروری است. در قیاس با علم و عمل، مسائل عاطفی هم چون سرور، آرامش و رستگاری موضوعاتی فرعی و بی‌ربط محسوب می‌شود (اکنون می‌بینم که اگر چیزی هم بوده است، علم و عمل نتیجه‌ی ترس، تنفر از خود و ناامنی _ مهمترین مقولات عاطفی _ است).

۱- کلیسای مسیح (Church of Christ)، عنوان جامعه آن‌ها مسیحیان فرقه پروتستان محافظه کار است که مؤسسين آن اصلاً عضو «جامعه شاگردان مسیح» بودند و از حدود ۱۸۴۰ م. تدریجاً از آن جدا شدند. با نواختن آلات موسیقی در کلیسا و ازدیاد قدرت کشیش‌ها مخالف بودند. به عقیده آن‌ها مسیحیت دینی است که محدود به سنت نیست، به دنبال پاسخ به فلسفه وجودی انسان و تکرار دین‌های پیش از خود نیست، بلکه از هر لحاظ جدید است. مسیحی واقعی از دید آن‌ها کسی است که تنها در عهد جدید به دنبال تعالیم و اعمال مسیحیت باشد و خود را عضوی از کلیسای مسیح بداند (نه مسیحی ارتدکس، کاتولیک یا پروتستان). (دایره المعارف فارسی به سرپرستی غلامحسین مصاحب، جلد دوم، بخش اول، انتشارات امیر کبیر، چاپ چهارم، ۱۳۸۳، ص. ۲۲۵۸؛

Wharton, Philips Thomas, *The Church Of Christ*, Funk & Wagnalls Company, United States of America, 1905, P. 15.

2- New Testament Christianity

3 - gospel meeting

طی این تجارب سازنده، در بین اهالی شهر کوچک مان به نام کمانچ^۱ در ایالت تگزاس^۲ دوستانی داشتم که بپتیست جنوبی^۳ یا متدیست^۴ بودند. یاد گرفته بودم که آن‌ها «گمراهند»، چرا که با اعتقاد صرف و ساده به عیسی و فراخوانی او به قلب‌هایشان تا این‌که از آن طریق رستگاری ابدی پیدا کنند، برداشتی ساده از انجیل داشتند. در مقابل، ما پیروان کلیسای مسیح، جدی، پر شور و متقی بودیم. تنها موضوع ابدی برای ما، تهدید به نابودی بود نه رستگاری. با این همه، معتقد بودیم که حقیقت نزد ما است و می‌توانستیم این مطلب را با ذکر دقیق (توجه کنید که فقط ذکر مأخذ نیست) برخی باب‌ها و آیات کتاب مقدس ثابت کنیم.

در آن زمان، به نظر می‌رسید _ و هنوز هم به نظر می‌رسد _ که تلاش بسیار برای نیل به رستگاری از واجبات معتقدان کلیسای مسیح بود؛ ما عقیده‌ی «آرامش ابدی» بپتیست‌ها را قبول

۱- کمانچ (Comanche)، منطقه‌ای است در مکزیک، واقع در شمال غربی تگزاس.

۲- تگزاس (Texas)، منطقه‌ای در جنوب غربی ایالات متحده آمریکا است. از لحاظ وسعت و جمعیت، دومین ایالت در آن منطقه است.

۳- انجمن بپتیست جنوبی (Southern Baptist Convention)، فرقه‌ای مسیحی است که در ایالات متحده آمریکا تأسیس شد. بزرگ‌ترین فرقه بپتیستی است و اکثر پروتستان‌های آمریکا در حدود ۱۶ میلیون نفر عضو آن هستند و بیش از ۴۲۰۰۰ کلیسا دارد. واژه جنوبی (southern) در آن به این علت است که خاستگاه آن ایالات متحده جنوبی است. این فرقه که اکثراً سیاهپوست هستند در سال ۱۸۴۵ از بپتیست‌های شمالی سفیدپوست جدا شدند و علت جدایی‌شان مسأله بردگی و تبلیغ بود. در اواخر دهه ۱۸۶۰ چندین انجمن از آن شکل گرفت. تأکید بپتیست‌های جنوبی بر تجربه‌ی تغییر دین فردی است و به تعمید کامل و غوطه‌ور شدن در آب اعتقاد دارند و تعمید کودکان کمتر از ۷ سال را قبول ندارند. عقاید و اعمال این فرقه همانند پروتستان انجیلی است. برای اطلاعات بیشتر رک.

Dockery, David S., *Southern Baptist Consensus and Renewal*, B & H Publishing group, United States of America, 2008.

۴- جان وسلی ۱۷۰۳-۱۷۹۱ و همکارانش، کلیسای متدیست (Methodist) را در انگلستان پایه‌گذاری کردند. تمامی متدیست‌ها تحت قلمرو اسقف لندن هستند. اگرچه متدیست‌ها نپذیرفتند که از کلیسای پرسبیتی جدا شوند، با وجود این در ایالات متحده در اکثریت به سر می‌برند. اعضای این کلیسا می‌توانند خود را عضو سابق کلیسای انگلستان هم بدانند، چراکه آن وفاداری که یک متدیست برای کلیسایش قائل است، و رای وفاداری به سایر فرقه‌ها است. کلیسای متدیست متون مقدس را به‌مثابه قانون اصلی ایمان و زندگی تلقی می‌کنند و جانشینی اسقفی را قبول ندارند.

Lynch, C.S.P., John E., "Church: church polity", *The Encyclopedia of Religion*, Vol. 3, P. 477;

مولند، اینار، جهان مسیحیت، ترجمه محمد باقر انصاری و مسیح مهاجری، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۸، ص. ۲۴۷-۲۵۸.

نداشتیم، چرا که اندیشه‌ای دست نیافتنی بود. دلخوشی ساده و رضایت‌مندی‌های احساسی فرقه‌های دیگر، اغواگر و گمراه کننده بود. سال‌ها با دوستانم در باب این اختلاف نظر، بحث و گفتگو کردم. چطور کلیسای مسیح می‌توانست «حقیقت» را در خود داشته باشد و این چنین حظ کمی از آن ببرد، درحالی که بپتیست‌ها می‌توانستند از داشتن چنان احوال احساسی شدیدی محظوظ شوند؟

مجدوب این حقیقت بودم و هستم که در شهری تنها با چهار هزار سکنه، افراد می‌توانستند در مورد ماهیت رستگاری، چنین دیدگاه‌های متفاوتی داشته باشند. این اختلاف نظرات، شکل دهنده‌ی ما و سرانجام باعث جدایی ما بود. صرف نظر از اینکه از منظر الهیاتی چه چیزی «درست» است، به این باور رسیده‌ام که هر یک از جماعت هم‌مسلمان تأثیری تعیین کننده بر تجربه‌ی تغییر دین فرد دارد. تجارب بسیار متفاوتی از رستگاری وجود دارد که هیچ کدام ضروری نیست. به بیان ساده، تغییر دین همان است که گروه دینی می‌گوید.

جهت‌گیری کنونی من نسبت به علوم انسانی نیز در رویکرد من به تغییر دین اثربخش است. من سعی می‌کنم به روان‌شناسی، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی بپردازم و آن‌ها را مورد نقد قرار دهم. نحوه‌ی توجه انحصاری من به علوم انسانی با توجه به این‌که دنباله رو چندین مضمون یا بن‌مایه‌ی خاص است، معطوف به همدلی، تجربه‌ی فردی و پیچیدگی مصائب بشری است.

همدلی، میل و قابلیت اصیل خود را به جای دیگری نشانادن، استعدادی است که سعی خواهم کرد در این اثر به آن میدان بدهم. من با دیدن دنیا از چشم انداز «دیگری» موافقم. تجارب به دست آمده از زندگی، از دیگر موضوعات مورد توجه من است. من به اهمیت سلوک، سرگذشت و ویژگی‌های هر فرد و گروه تأکید دارم. آنتون بویسن^۱ از «استناد به انسان

۱- آنتون بویسن (Anton Boisen) (۱۸۷۶-۱۹۶۵)، در ایندیانا، منطقه‌ای در ایالت متحده متولد شد. به سال ۱۹۰۵ از دانشگاه ییل فارغ التحصیل شد. وی از کلیسای پرسبیتی به کلیسای کنگرئشنال گروید. به عقیده او انواع خاصی از اسکیزوفرنی را می‌توان راه حلی برای مسائل روانی به شمار آورد. پس از آن بویسن به روان‌شناسی دین روی آورد. به عقیده وی با نیروی دینی می‌توان بسیاری از بیماری‌های روانی را درمان کرد.

زنده» سخن می‌گوید.^(۴) باید زندگی فردی و جمعی‌مان را، منشأ آگاهی، بصیرت، تجربه و (جرأت می‌کنم که بگویم؟) مکاشفه بدانیم.

در حین این‌که این آثار را می‌خواندم، با کارشناسان خبره گفتگو می‌کردم، در همایش‌ها و سمینارها شرکت می‌کردم و با بسیاری تبادل نظر داشتم، به این باور رسیدم که مطالب چاپ شده در مورد تغییر دین همانند محوطه‌ی قطار شهری شلوغ با ریل‌های جداگانه‌ای می‌ماند که موازی با یکدیگر حرکت می‌کنند، و هر قطار به تنهایی مسیر مخصوص به خود را دارد، هرگز مسیرش با مسیر دیگری برخورد نمی‌کند. به این فکر افتادم که تنها تعداد کمی از محققان تغییر دین به این امر آگاهند که این موضوع از بیش از یک ریل عبور کرده است و حتی امکان داشت که بر یک ریل چندین قطار باشد.

بسیاری از مطالبی که در علوم انسانی در مورد دین و تغییر دین نوشته شده‌است، نقص تقلیل‌گرایی^۱ دارد. نظرات سکولار^۲ موجود در علوم انسانی، اغلب برای کسانی که ادعای «بررسی» پدیده‌های دینی را دارند، به لحنی توهین‌کننده می‌انجامد. جای تعجب نیست که بسیاری از دین‌داران (البته نه همه‌ی آن‌ها)، «روان‌شناسی دین»، «جامعه‌شناسی دین» و «انسان-شناسی دین» را در بهترین حالت، آسیب‌رسان، و در بدترین حالت کاملاً نادرست می‌دانند. در ابتدا اثری که در زمینه‌ی علوم انسانی به چاپ می‌رسد، به آن با تردید می‌نگرند و در وهله‌ی بعد، اگر برای ایشان اصلاً مفید یا جالب باشد، آن را محدود به متخصصان حوزه‌ی دین می‌دانند.

امید آن دارم تا دین‌داران این کتاب را اثربخش و جذاب بدانند، چرا که این اثر در عین این‌که موضوعات فردی، اجتماعی و فرهنگی را در بر دارد، به دیدگاه دینی نیز توجه ویژه‌ای می‌کند. هم چنین انتظار دارم که این کتاب افق‌های فهم دینی تغییر دین را وسعت ببخشد. از طرف دیگر، اطمینان دارم که محققان علوم انسانی از منظر دانشگاهی آن را سودمند می‌بینند و

Myers Shirk, Susan E., "Anton Boisen and the Scientific Study of Religion", *Helping the good Shepherd*, The Johns Hopkins University Press, 2009, P. 16-17.

1 - reductionism

2 - secular